

در تاریخ ادبیات، زنانی که کتاب‌هایشان را با نام‌های مستعار چاپ کرده‌اند کم نیستند. البته پرخاشیه‌ترین نمونه آن خواهران برونته بودند که با نام سه مرد کتاب‌هایشان را چاپ می‌کردند. چرا برخی از نویسندگان زن نمی‌خواهند نام اصلی‌شان آشکار شود؟ پیش از هر چیز به دلیل اینکه دیگر نمی‌توانند به راحتی قبل دربار جامعه‌شان بنویسند.

النا فرّانته، نویسنده ناشناس



این‌دیندنت — در مجله نیویورک ریویو آو بوکز کلدیو گاتی، که روزنامه‌نگاری پژوهشگر است، مدعی شد هویت راستین النا فرّانته را آشکار خواهد کرد. فرّانته، نویسنده رمان‌های پر فروش جنایی ناپلی، تا امروز ناشناسی پراوازه است که از راه ایمیل مصاحبه می‌کند و فقط ناشرش هویت راستینش را می‌شناسد.

ماجرای فرّانته از جنبه‌های بسیاری یادآور شارلوت، امیلی و آن برونته است. خواهران برونته رمان‌های خود به نام‌های جین ایر، بلندی‌های بادگیر و اجاره‌نشین عمارت وایلدفل را در پوشش نام‌های ساختگی و مردانه کارر، الیس و اکتون بل منتشر کردند. آن‌ها نیز مانند فرّانته، برای حفظ حریم خصوصی و خودداری از ستاره‌شدن، با تخلص می‌نوشتند. فرّانته در مصاحبه‌ای در ابتدای سال بیان کرد که خواسته با نام ساختگی بنویسد تا بتواند «منحصراً بر نوشتن و راهکارهای آن متمرکز شود».

برونته‌ها با نام مردانه می‌نوشتند، چراکه رمان‌های آن‌ها به موضوعاتی می‌پرداخت که برای خوانندگان، در آغاز عصر ویکتوریایی، غیرزنانه بود: شور جنسی، هرزه‌نگاری، اعتیاد به الکل، آزار خانگی و خشونت. باین‌همه، منتقدان، به همان سرعت که برادران بل را متهم به زن‌بودن می‌کردند، به همان اندازه هم از نوشته‌هایشان برای اثبات مردبودنشان استفاده کردند. آن‌ها معتقد بودند دری‌وری‌ها و سوءاستفاده‌های آقای روچستر مردانگی نگارش جین ایر را ثابت می‌کند، حال‌آنکه برانگیختگی روان‌شناسی و احساسات جین دست نویسندگان زن رمان را رو می‌کند.

در آغاز، حتی ناشران کتب خواهران برونته نیز هویت ناگهان رسواشد نویسندگان‌شان را نمی‌دانستند. آن زمان که ناشر آمریکایی اعلام کرد که هر دو رمان اگنس گری نوشته آن برونته و بلندی‌های بادگیر نوشته امیلی برونته را یک نفر نوشته است، شارلوت و آن، برای اثبات هویت جداگانه‌شان، در سفری توفانی به لندن رفتند. آن‌چنان‌که مشهور است، شارلوت توضیح داد که: «ما سه خواهر هستیم»؛ درحالی‌که شارلوت زن‌بودنش را تاحدی پذیرفته بود، امیلی از شیوه‌های او دلگیر و همچنان مایل بود که نویسنده‌ای مذکر به نام الیس بل باشد. آن رمان‌ها، به‌مثابه نوشته‌هایی به قلم زنان، «زمخت» و «وحشیانه» به شمار می‌رفت که نویسندگان در آن‌ها کمابیش جنسیت خود را زوده بودند.

الیزابت گسکل رمان‌نویس نیز، در بازی خانوادگی «حدس بزنید بل‌ها واقعاً کیستند»، شرکت کرد. زمانی که حقیقت را کشف کرد، نامه‌ای پیروزمندانه به دوستی نوشت که: «کارر بل (راستی! برای این راز چه مژده می‌دهی؟) زن است.» در پی مرگ زودهنگام شارلوت، گسکل در نگارش زندگی شارلوت برونته، به شیوه‌ای راهبردی او را دختری مؤمن و فداکار و رمان‌نویسی خوش‌قریحه ترسیم کرد.

زندگی‌نامه گسکل نیز آغازگر روندی بود که تا امروز خواهران برونته را رها نکرده است. او «شخصیت‌های اصلی» و مکان‌ها در رمان‌های برونته را در دیار و جغرافیای مادری آن‌ها در یورکشایر شناسایی کرد. از آن زمان تاکنون، رمان‌های برونته از رهگذر زندگی نویسندگان‌شان خوانده شده‌اند. این خوانش‌ها تیزهوشی، خیال‌پردازی و مهارت ادبی خواهران برونته را نفی می‌کند.

منتقدان بسیاری، با یادآور شدن تمایل فرّانته به ناشناخته ماندن و حفظ حریم، پژوهش‌های گاتی را ناشایست دانسته‌اند. در روزگار دسترسی بی‌مانند به نویسندگان (از راه رسانه‌های اجتماعی و در جشنواره‌های ادبی) که پنهان شدن همیشگی در گمنامی برای هیچ نویسنده‌ای تصورکردنی نیست، احتمالاً روزی ناگزیر، هویت فرّانته آشکار شود.

خواهران برونته نسبت به فرّانته کنترل بیشتری روی کسانی داشتند که رازشان را می‌دانستند. جورج هنری لوئیس منتقد، که بعدها شریک جورج الیوت نویسنده شد، در مکاتبه با کارر بل، چاپ جین ایر را ستود. اما زمانی که رمان دوم شارلوت به نام شرلی را به عنوان کار یک زن نقد کرد و پس از اینکه فهمید او دختر یک کشیش است، عصبانیت شارلوت را برانگیخت. شارلوت با یادداشتی یک‌خطی و آتشین پاسخش را داد: «در برابر دشمنان از خودم محافظت می‌کنم، اما چون دوست دشمن است شکایت کجا برم؟»

ماجرای فرّانته پرسش‌های مهمی را درباره چگونگی خوانش و ارزش‌گذاری نویسندگی و تألیف زنان برمی‌انگیزد. فرّانته می‌گوید تاحدودی می‌خواهد خودش را از جامعه ناپل، که در رمان‌هایش درباره‌شان می‌نویسد، محافظت کند، درست همان‌گونه که شارلوت برونته مایل بود، بدون ترس از شناخته شدن، درباره کشیش یورکشایر بنویسد. شارلوت شکست خورد. مردم محلی هوئرت، با سرخوشی، برخی از شخصیت‌های برگرفته از زندگی [روزمره] در شرلی را شناسایی کرده‌اند. رمان‌های فرّانته نیز، در صورت شناسایی او و گذشته‌ای که قابل بررسی است، مستعد همان خوانش زندگی‌نامه‌ای و سطحی‌ای هستند که آثار خواهران برونته مدت‌هاست بدان دچار است.

فرّانته تا به امروز کارهایش را، به عنوان شخصیتی ادبی و ناشناخته، از قفسه‌هایی که نامنصفانه برای زنان کنار گذاشته شده‌اند، یعنی رمانس و عاشقانه‌های زنانه، دور داشته است. ارزیابی‌های ژرف او را از زندگی و دوستی‌های زنان جدی‌تر گرفته‌اند. لیلی لوفورو، منتقد فرهنگی، معتقد است: «مستعارنویسی فرّانته هدیه او به خوانندگان است. او ما را از میل به کاستن آثارش به زنانگی، خانواده و زندگی‌نامه‌اش در امان می‌دارد.»

رمان‌های برونته در چاپ نخست آزارنده و نوآورانه بودند، اما امروزه گاهی و، تا اندازه‌ای نیز در نتیجه اقتباس‌های سینمایی هالیوود از آن‌ها، صرفاً خودزندگی‌نامه‌هایی عاشقانه به شمار می‌روند. با این‌همه، از زمان چاپ رمان زن دیوانه در اتاق زیر شیروانی^۱، نوشتن ساندرا ام. گیلبرت و سوزان گوپار در سال ۱۹۷۹، در داوری رمان‌های خواهران برونته به عنوان نقدهای فمینیستی و در جایگاه آثار ادبی هوشمندانه، بازنگری شده است، گرچه این کار با گذشت صد سال از نخستین چاپ داستان برونته‌ها صورت گرفت.

چگونگی درک و برداشت از آثار النا فرّانته، احتمالاً پس از شناسایی نویسنده، هنوز روشن نیست. اما ماجرای خواهران برونته نوعی هشدار است: هرگز چشمتان را از خود اثر برندارید.

پی‌نوشت‌ها:

* این مطلب در تاریخ ۱۲ اکتبر ۲۰۱۵ با عنوان *pen a use to like writers women Why :busted Ferrante Elena* چرا عنوان با را مطلب این ۱۳۹۵ دی ۲۶ تاریخ در ترجمان سایت وب و است شده منتشر ایندپندنت سایت وب در name نویسندگان زن با نام مستعار می‌نویسند؟ ترجمه و منتشر کرده است.

[۱] *The Madwoman in the Attic*

منبع/ ترجمان

مولف: ارین نایبرگ

مترجم: مینا فراهانی

برچسب‌ها: [ادبیات](#) [1]

[حقوق زنان](#) [2]